



BLACKEST NIGHT



3
OF 8
NOV '09

Geoff Johns
Ivan Reis
Oclair Albert
Joe Prado



دور نام

dorname.ir

کاری از: کیوان داوود



BLACKEST NIGHT



3
OFF
NOV 05

GEOFF
JOHNS
IVAN
REIS
OGLAIR
ALBERT
JOE
PRADO





نیویورک سیتی

دانشگاه کلمبیا

چن من نمی توئم
برم سینما، باید برم
سر درس و مشق.

ولی تو تمام
شب درس خوندی
جیسون.

ولی هنوز باید فرمول های شیمی لازم
برای بازدارنده آتش رو حفظ کنم.
اگه آتش بزرگی جایی اتفاق
بیفته چی؟



هر وقت ذهنتو متوجه فلش-
کارت هات می کنی، به این معنیه
که چیزی اذیتت می کنه.

چیزی
نیست.

سر شام اصلا
حرفی نزدی.

حوصله حرف
زدن نداشتم.

الان
می توئی
حرف بزنی؟



چی؟ ولی چطور
تو...؟

چن، من تازه وارد دانشگاه
شدم. تو هنوز دبیرستان رو
تمام نکردی. من آمادگی نامزد
شدن رو ندارم.

وقتی ما کارهای
ابرقهرمانی انجام
می دیم، ذهنامون هم به
هم نزدیک می شن. و افکار
تو در مورد ازدواج و خانواده
انقدر قوی اند که نمی توئم
نشنومشون.

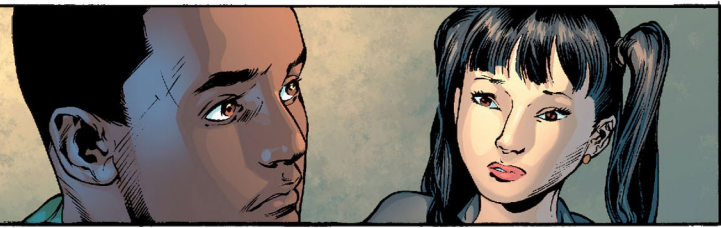
فقط بخاطر
اینه که خیلی
دوست دارم جیسون.
و از وقتی تو رو دیدم،
همه چیز عالی وپده.
سخته در مورد آینده مون
فکر نکنیم.



منم
دنبال آینده ام
هستم.
ولی الان
فعلا می خوام
شیمی ۲۰۱ رو
پاس کنم.



اگه افکار من اذیتت
می کنند...
...اگه اینطور
برای هر دومون
بجتره...
...شاید
دیگه نباید عضو
فایراستورم باشیم.





تو گوشه‌ها کرم
داری ای-من؟ من
گفتم اون فلش
مال منه!

اسپیدستر سرخ
و مرد کشسان دوستشون
از زمانی که ایلانکیتند من
مشهور اولین پرونده خودشو
حل کرد. با هم دوست هستند!
اگه کسی قراره به رشته‌های
قلب بری چنگ بزنه
اون منم.

بیخیال
بری! به بغل
به دوست رسانای
خودت بده. قبل از
بگی بذار خودم
بگم...

...حق با تو
بود. علنی کردن
هویت سری من...
کن؟ اصلاً ایده خوبی
نیود. مگه نه سو؟

اوه رالف.
نگران مغز کوچیک
و شیخون خودت
نباش.
همه چیز به
بهترین شکل
پیش رفت.



من ترجیح
می دم خون گرین
ارو رو بریزم، ولی
می تونم به ریختن
خون تو هم قانع
باشم چورذن.

مجبورش
کن از قدرت
اراده اش استفاده
کنه. هل رو مجبور
کن بچنگه.

خیلی
لذت بخشه.

من
نمی خوام
اینو
ببینم.



خونشو بریز
بری! منو می بینن؟
چه حسی داری؟ به کم
ترس؟ به کم امید؟

هر کی این
پلا رو سرت
آورده، خط قرمز
رو رد کرده.

اوه!
عصبانیت!
من من من
من من من
خونشم
میادا!

BLACKEST NIGHT

GEOFF JOHNS WRITER · IVAN REIS PENCILLER · OCLAIR ALBERT W/ JOE PRADO INKER
ALEX SINCLAIR COLORIST · NICK J. NAPOLITANO LETTERER · ADAM SCHLAGMAN ASSOC. EDITOR · EDDIE BERGANZA EDITOR
COVER: REIS · ALBERT · SINCLAIR ALT. COVER: ETHAN VAN SCIVER WITH HI-FI



نمی تونم باور کنم که
قبلا متوجه اینا نشدم
فلش، ولی تو خیلی شبیه
پروفیسور استاینی.

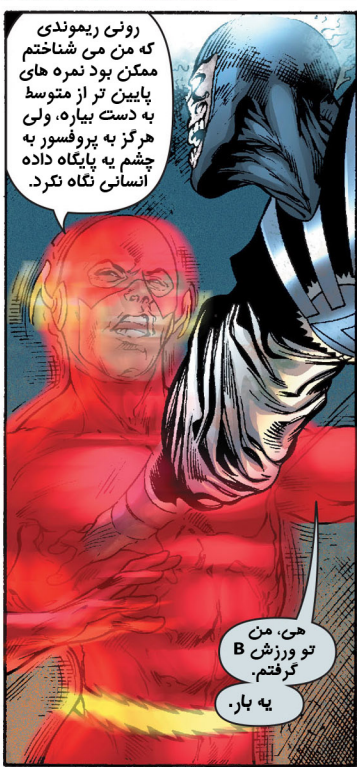


شما دو تا هر دو
کسانی هستید که
در مورد مواد شیمیایی
و ولتاژیایی بالا و این
زباله ها خیلی
می دونید.



متنفرم در مورد مسائلی که حالمو
به هم می ززند فکر کنم، ولی الان
انتخابی ندارم.
یه جای خالی بزرگ
تو سرمه که قبلا پروفیسور
اونجاها پیداش می شد. یه جای
خالی دارم که باید پر بشه.

چطوره تو جای مغز
جدید منو بگیری فلش؟



رونی ریموندی
که من می شناختم
ممکن بود نمره های
پایین تر از متوسط
به دست بیاره، ولی
هرگز به پروفیسور به
چشم یه پایگاه داده
انسانی نگاه نکرد.

هی، من
تو ورزش B
گرفتم.
یه بار.



می خواهی به آزمایش
انجام بدی فایراستورم؟
بیا بینیم
وقتی این حلقه سیاه
رو در بیمارم چه اتفاقی
می افته.



BRAP!!

اون قیام می کنه، متجاوزا و چیزی نیست که بتونه متوقفش کنه!

هلا! حلقه های سیاه مثل گیاهان ریشه دارند و توی بدن اونها نفوذ کردند.

سطح نیرو ۵۰.۳۳٪

اگه بهشون آسیب برسه، دوباره فرمشونو ترمیم می کنند. به نظر می رسه سطح نیروی اونها هم داره بالا می ره.

کسی می دونه چطور می شه متوقفشون کرد؟

همه ما به هم وصلیم، بری. تو هم همینطور.



BRHH!

فعلاً هیچی ننگگا

پس فکر کنم هیچکدوم ایده ای نداریم.



من از تاریکی متنفرم.

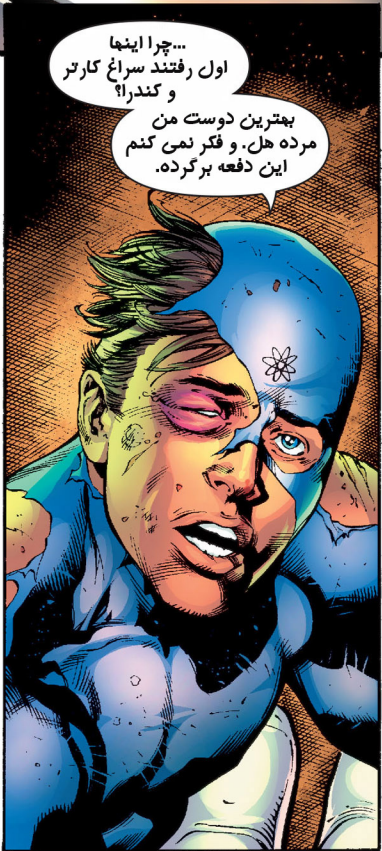


ری؟ از کجا میایی؟

من از طریق خط تلفن رفتم محل کارتر با این امید که باهاش حرف بزنم. موضوع رو جدی گرفت. خودمو کوچیک کردم تا نگاه بهتری به حلقه اون بندازم. اصلا شبیه حلقه تو نیست هل.



اون حلقه مثل استخوان ساختار متخلخلی داره. شاید از جنس ماده تاریک باشه که مثل اسکلت جهان هستیه. "په گروه از کرچاله ها رو تشکیل دادند که نوعی انرژی رو کانالیزه می کنند ولی معلوم نیست به کجا می فرستند... و چرا..."

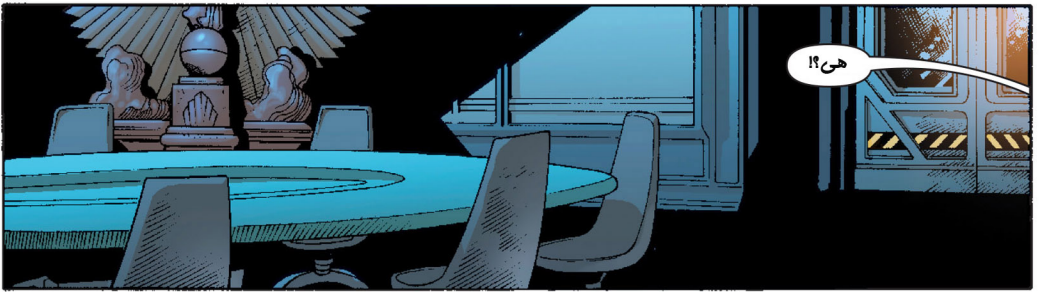


...چرا اینها اول رفتند سراغ کارتر و کندرا؟

بهترین دوست من مرده هل. و فکر نمی کنم این دفعه برگرده.

واشنگتن دی سی

مقر لیک عدالت آمریکا



هه؟! هه



هه؟

کسی اینجا نیست؟

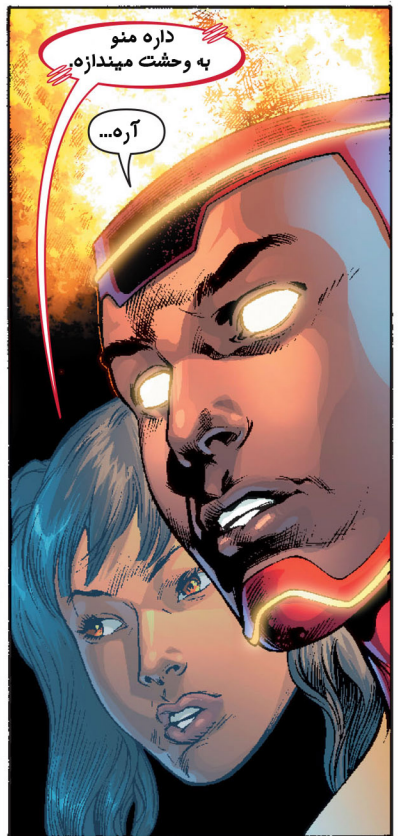


یه نفر آژیر خطر رو به صدا درا ورده جیسون.

فکر می کنی کنه بوده؟

از کد آکوامن استفاده شده.

آکوامن مرده.



داره منو به وحشت میندازه.

آره...



منم همینطور.

کاهن داداک

منهتن

ایرون هایتس

کاتهام سیتی

مسکو

اسمالویل

من اسم دارم.

واشنگتن دی سی

خدای من!
به چیزی از مقبره ناشناس ها
بیرون اومده اون...



SKTT

جیسون؟
این چی بود؟!





آ آ آ آ ها!



تو؟ تو فایراستورم جدید هستی؟

تو آژیر رو به صدا درآوردی؟

آکواوومن؟

نه. آکواوومن نه. مرا.

آره.

چه اتفاقی داره می افته؟



مرده دارن قیام می کنند جیسون! شنیدی! صفحه های نمایش همه ماجرا رو نشون می دن!

ممکنه میزان صدا رو کم کنی جن؟



آروم بگیره... بهمش بگو هر کی همراهته ...



نباید هراس به خودتون راه بدید. نباید بذارید احساسات بعتون غلبه کنند.

چرا؟

بخاطر اون چیزهایی که اون بیرون هستند. من از دستشون فرار کردم. وقتی متمرکز شدم اونها نفونستند بسادگی رد منو بزنند.

اونها مثل کوسه هستند فایراستورم. وارد آب که بشی بو می کشند و پیدات می کنند و می بلعند.

کیا؟

کیا؟



"مرده ها."

MAWING, TOBY TERRA-MAN

BRAVERMAN, KENNY CONDUIT

LOVE, MICA THE ENFORCER

RAVENHAIR, JOHN BLACK



ری، با ما بمون.

بذارید ببینیم اگه تمام هوای اطراف شما به باروت تبدیل بشه، چی می شه.

باید دوباره گروه بندی کنیم هلن. بذار همه رو از اینجا ببرم. هر چی هست جمع کنیند. کلارک و دیانا، والی و جی.



آره! با کوچکترین اصطکاک همه جا آتیش می گیره!



ما هیچوقت به هم نزدیک نمودیم، درسته هلن؟

فکر نکن وقتی سو دامن می پوشید و تو چشم چرون می کردی نمی دیدمت.

و تو ری، به چشمهای من نگاه نمی کنی، چی شده؟

هنوز در مورد بلایی که جین سر همسر من آورد حس بدی داری، مگه نه؟ ولی بدتر از اون...



مهربانی

...هنوز برای جین ناراحتی؟ اون آدم مزخرفی بود ری. اون تو رو رها کرد. زن منو کشت.

اون په تصص... تصادف بود.



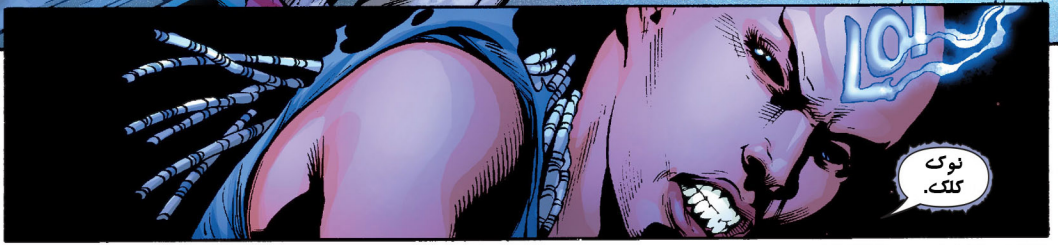
جین په شعله افکن با خودش آورده بود. اون می دونست چیکار می خواست بکنه.

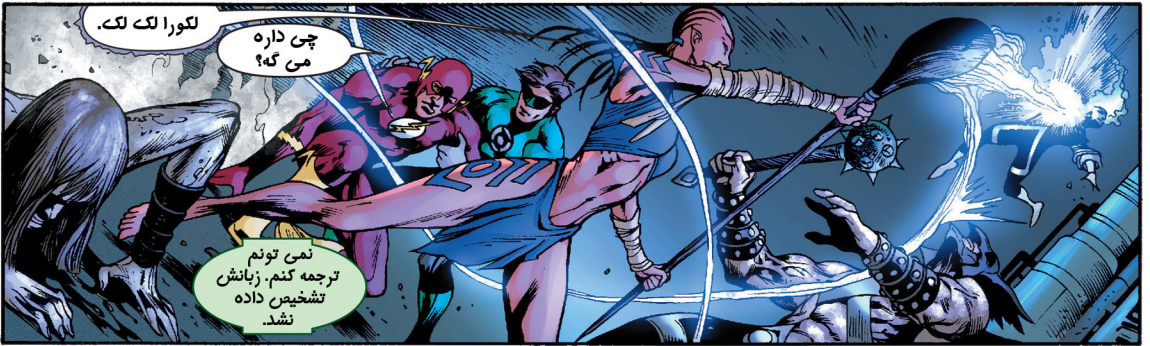
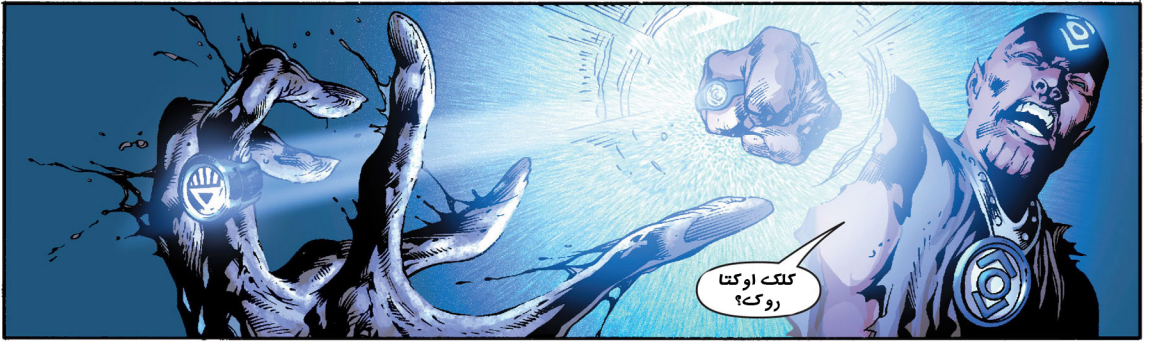
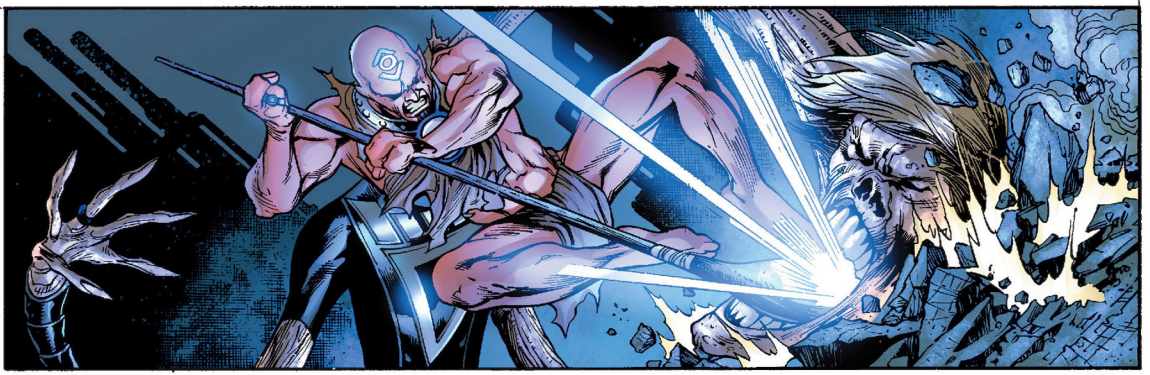
مهربانی. پیدا کردنش تو این جامعه کار سختیه، مگه نه؟

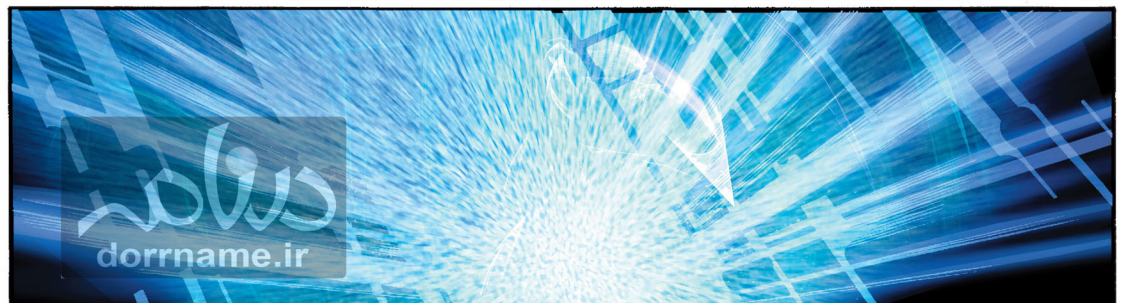


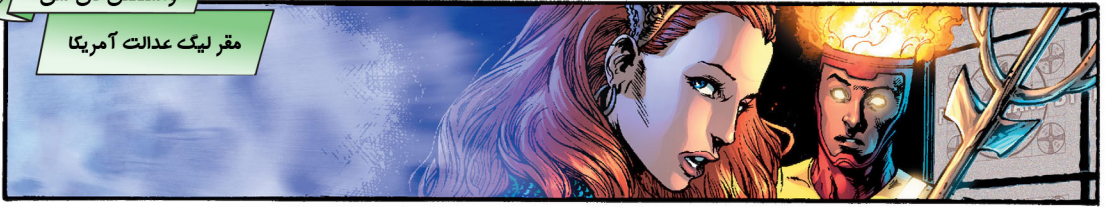
Ahhh!

ولی با په کم از اون خیلی کار می شه کرد.









فلش؟

مر!؟
حالت خوبه؟

این چیزا
گارت رو
کشتند.

آکواد؟!؟

اونها گارت رو
کشتند و اون
هم به یکی از اونها
تبدیل شد.



همون بلایین
که سر هاوکمن
آوردند.

ری؟



می توئم حس همدردیتو
نسبت به دیگران درک کنم.
تواکثر عمر تو در سطح زیر انمی
و در تنهایی برای کشودن
اسرار جهان هستی به نفع
نوع خودت صرف
کردی.

نور ما
می خواد درمانت
کنه.

انکلیسی حرف
می زنی؟

وقتی ما قصد
کنیم، گرین لنترن.



لورو
کلک.

آره.
اونها اشیا، زیادی
رو جمع می کنند.



اونجا کی هستند؟
لنترن های ارغوانی؟



اگر چه ما اسم و هر چیزی که با فردیت گرایین باشه
دور انداختیم، ولی می تونید منو ایندیگو اصدا بزنید.

من رهبر
بر گزیده قبیله
ایندیگو هستم.

حق با تو
بود هن. خیلی
چیزها هست که
باید در جریان
قرار بگیرم.
از کجا
باید شروع کنم...؟

شروعش
به نظر مهم
میاد.

شروعش؟ در ابتدا
جهان هستی متعلق به
سیاهی بود...

بعد... و بعد نور بود.
بمدت هفتصد سال در جهان هستی چیزی نبود جز نور خیره کننده.

بعد تاریکی به مبارزه برخاستو نور سفید در هم شکست.

هر موجود هوشمندی که از نور زاده شده بود، الان به طیف احساسی اون کمک می کنه. وضعیت وجودی ما به نور اون اضافه می کنه. و می شه این نیرو رو جمع کرد و به قدرت تبدیل کرد.

امروز، حس خشم سرخ توسط به دشمن باستانی نگهبانان کمکشان بنام آترو سیتوس و گروه لنترن های سرخ اون استحصال شده.

نور نارنجی طمع به همراه جان لنترن های نارنجی توسط لار فلیز حریص و بداندیش طلب شده.

نور وحشت زرد در دستان لنترن خائن سبز سینیسترو و اون قرار گرفته.

توازن طیف و نور لازم برای نابود کردن لنترن های سیاه در دستان لشکریان لنترن سبزه.

درخشش امید آبی رنگ در معرض از بین رفتنه و تنها در سایه حمایت وایمان سن واکر و په عده دیگه زنده باقی مونده.

پرتوهای عشق بنفش هم به پاقت های ستاره ای قدرت می ده. اونها سعی می کنند همه رو به راه خود مایل کنند.

قبیله من از نور ایندیگو که نماد مهربانیه حمایت می کنه که از دسترس خیلی از موجودات خارجه.

امروز تاریکی داره مقابله به مثل می کنه و حمله خود رو به سمت لشکریان شروع کرده.

لنترن های سیاه به دنیاهای اونجا حمله کردند.



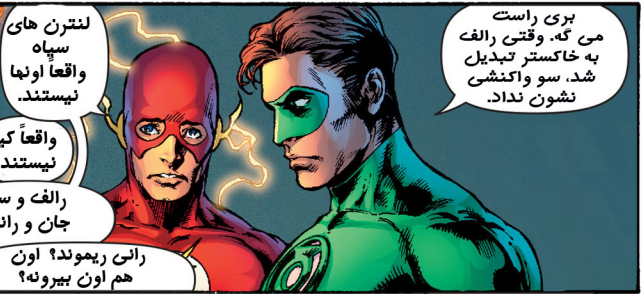


و تو این جنگ لنترن های سیاه متجاوز نیستند. ما متجاوز هستیم. ما هستیم که وارد حریم اونها شدیم. ولی ما خوبی و زندگی با خودمون آوردیم. مایه خجالتی که خیلی ها قدرشو نمی دونند.

فکر کنم بخاطر اینه که شما و کونه شما جلوی تهدیدهای بیشمار رو علیه جهان هستی متوقف کردید.

پس مرده ها به قلمرو لشکریان تجاوز کردند... ولی چرا به زمین حمله کردند؟

صدای منو می شنوید؟



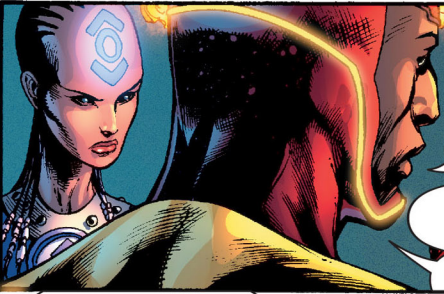
بری راست می که. وقتی رالف به خاکستر تبدیل شد. سو واکنشی نشون نداد.

لنترن های سیاه واقعا اونها نیستند.

واقعا کیا نیستند؟

رالف و سو. جان و رانی.

رانی ریموند؟ اون هم اون بیرونه؟



ولی اون چیز از تمام کارهایی که آرتور انجام داده بود. خبر داشت. تمام دردهایی که بخاطر آتلانتیس تحمل کرده بود.

شاید این مرده ها نیستند که حلقه ها رو به دست می کنند. شاید حلقه ها مرده ها رو انتخاب می کنند. شاید این حلقه ها به نوع کامپیوتر ارگانیک پیشرفته هستند که اطلاعات افراد رو دانلود می کنند و مثل یه شبیه ساز... برنامه حمله به ما رو طرح ریزی می کنند... ولی... چرا...؟



نور سبز اگه با نور دیگه ای مثل نور ما تقویت بشه. می تونه حلقه های سیاه رو خنثی بکنه و اونها رو در برابر تهدیدهای عادی آسیب پذیر می کنه. وقتی حلقه نابود بشه. به بازخورد منتشر می کنه که اثر لنترن سیاه رو خنثی می کنه. هر چقدر طیف های احساسی بیشتری بدرخشه. نور قویتر خواهد بود.

اونها از احساسات تغذیه می کنند. اونهایی که پیام کردند بدنابل جلب چنین جواب هایی هستند... ولی ما نمی تونیم اونها رو متوقف کنیم. شما نیروی حلقه هل رو کانالیزه کردید.



کارول؟ کارول چی؟

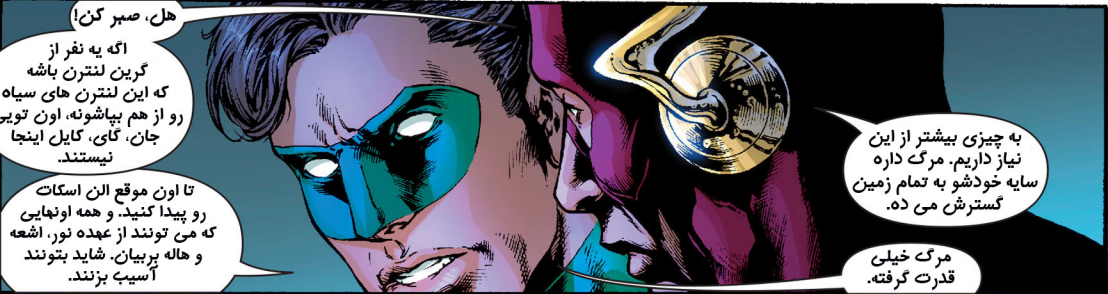
پس اول به زهران می ریم...

اون دوباره به یاقوت ستاره تبدیل شده. الان تو زمرانه

به همین خاطر سراغ شما اومدیم. گرین لنترن هفت لشکر لنترن با همکاری هم می تونند نور سفید خلقت رو باز آفرینی کنند. به کمک هم می تونیم منشأ حلقه های سیاه رو پیدا کنیم و نابودش کنیم.

تو با قدرتمندترین اعضا پنج لشکر دیگه ارتباط خوبی داری.

مثل کارول فریسن.



به چیزی بیشتر از این نیاز داریم. هر که داره سایه خودشو به تمام زمین گسترش می ده.

هر که خیلی قدرت گرفته.

هل. صبر کن! اگه به نفر از گرین لنترن باشه که این لنترن های سیاه رو از هم بپاشونه. اون توین جان. گای. گایل اینجا نیستند.

تا اون موقع ان اسکات رو پیدا کنید. و همه اونهایی که می تونند از عهده نور. اشعه و هاله پریشان. شاید بتونند آسیب بزنند.



هی مرا بتازگی شاهد برنامه ریزی آکوامن برای کشتن آکوالد بوده. ری هم چیزی نمونده بود که به دست زن بهترین دوستش به سیخ کشیده بشه. به من نیکد که در مورد مرگ مبالغه شده. به مری بکید و ری.

منظورم این نبود...
به پدرت بگو.
بری.
نرو اونجا...

باید چیکار کنم؟ چیکار می خواهید بکنم؟ به داخل اون مجسمه ضخیم تو پیدا کنم. به جورایی باید به راهی



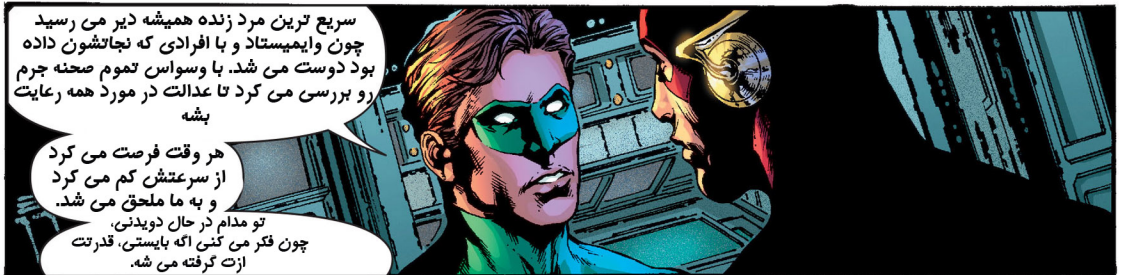
می خوام کمک کنم هر کسی رو که می تونیم دور هم جمع کنیم. قبل از پروازت کمک کن به طرح حمله بکشیم.
حلقه های قدرت... سبز یا زرد یا نیلی... این تخصص تونه.

باورم نمی شه بعد از تمام بلاهایی که سرمون اومده. بعد از نابودی کست سیٹی و تسخیر شدن تو به دست پارالاکس و بعد از اینکه با چنگ و دندان تو رو بر گردوندیم...



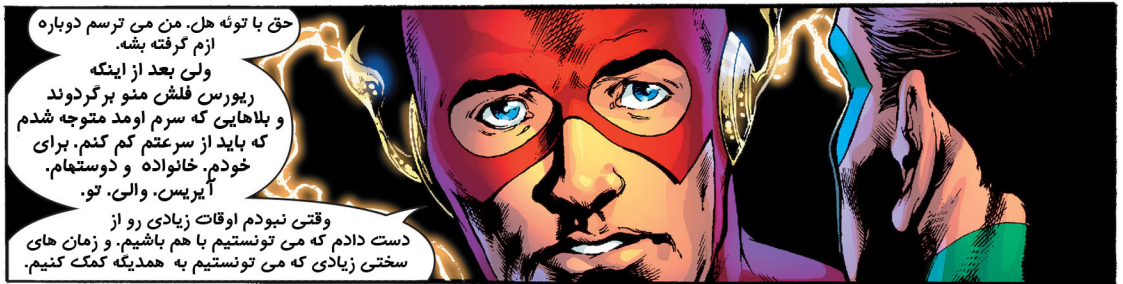
...تو اصلا فرق نگردی. هنوز با سلاح آماده به شلیک پرواز می کنی. هنوز طوری زندگی می کنی که انگار روز اوله.

و تو هم از وقتی که برگشتی طوری زندگی می کنی که انگار هر روز روز آخر زندگیته.



سریع ترین مرد زنده همیشه دیر می رسید چون وایمپستاد و با افرادی که نجاتشون داده بود دوست می شد. با وسواس تموم صحنه جرم رو بررسی می کرد تا عدالت در مورد همه رعایت بشه

هر وقت فرصت می کرد از سرعتش کم می کرد و به ما ملحق می شد. تو مدام در حال دویدنی. چون فکر می کنی اکه بایستی. قدرتت ازت گرفته می شه.



حق با تونه هل. من می ترسم دوباره ازم گرفته بشه.

ولی بعد از اینکه ریورس فلش منو برگردوند و بلاهایی که سرم اومد متوجه شدم که باید از سرعتم کم کنم. برای خودم. خانواده و دوستانم. آپریس. ولی. تو.

وقتی نبودم اوقات زیادی رو از دست دادم که می تونستیم با هم باشیم. و زمان های سختی زیادی که می تونستیم به همدیگه کمک کنیم.

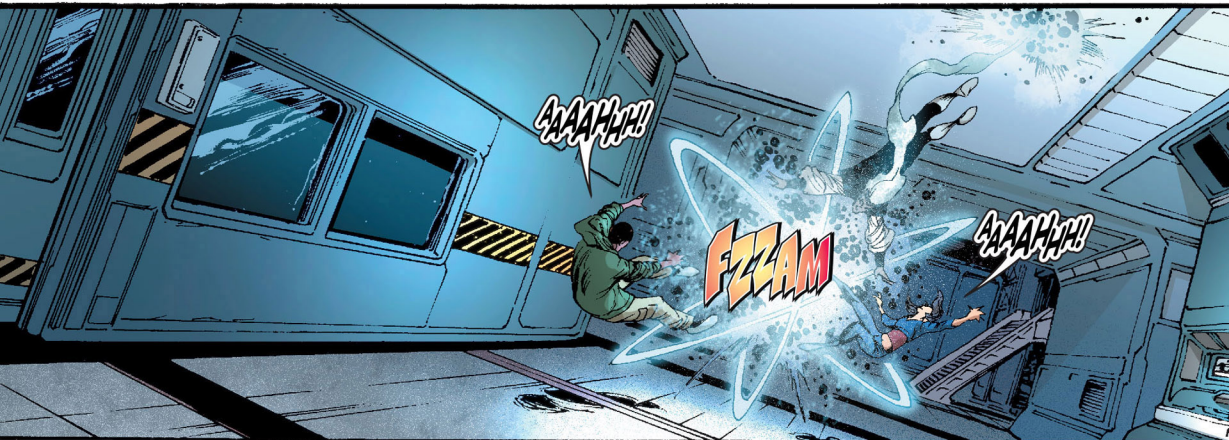


این یکی از اون زمانهاسه هل. به همین خاطر برگشتم.

باید هر دو حوصله به خرج بدیم و راه حلی پیدا کنیم.

حق با تونه بری. من...







VICTOR SAGE

ARRGH!!

SFX



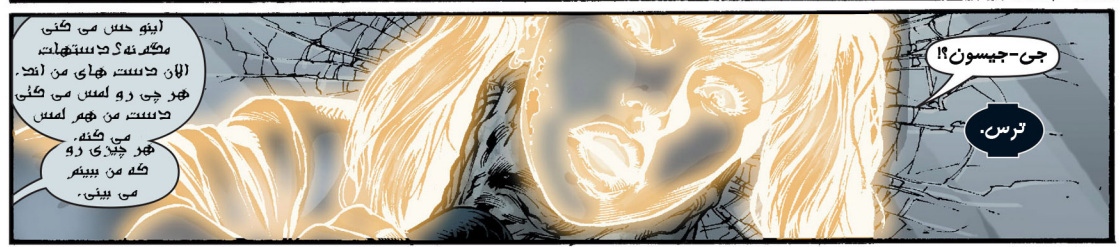
خوش اومدی اورکل.

جن!



ولش کن بره

سنهي تڪن ان چنگ
من فرار ڪئي، عزيمت.
تسي تونين، ما به هير
وصليير.



جن-چيسون!?

ترس.

اينو حسن مي ڪئي
مگر نه ڪي دستيهات
ان دستيهات هاري من انست.
هر چي رو لمس مي ڪئي
دستيهات من هير لمس
مي ڪنه.
هر چي رو رو
ڪه من بيهر
مي بيئي.



به نظرم خیلی باهوش نیستی.

جیسون. خواهش می‌کنم. لطفا کمکم کن.

خوب بعد از اینکه ماتریکس رو از من دیدی، چرا با این دختره تقسیمش کردی؟ می‌خواستی مشغول بزی؟



بهش صدمه ای نمی‌دم جیسون. ما داریم بهش آسیب می‌زنیم. چرا باید برات مهم باشه؟ چرا؟ تو از اون باهوش تری مگه نه؟ خیلی چیزها اون تو هستن که تاره می‌چرخه. فرمول‌ها و آنتی‌فال‌های دیگه.

بش آسیب زن!



پس اگه تو تاهن و جیسم فایراستورم جدید و پینتر فته هستی...

...این مروسف رو برای چی می‌خواهی؟

جیسون؟ اونجایی؟

ج-جیسون!؟



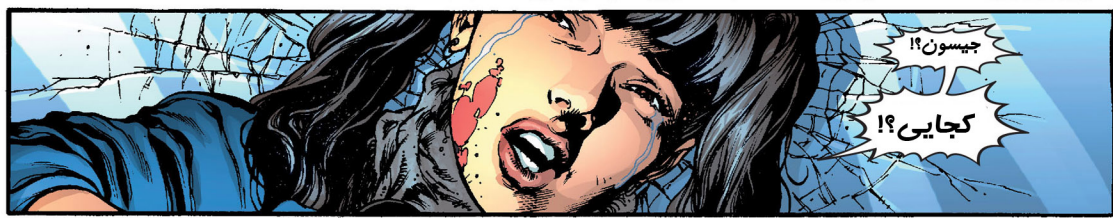
بالا. به ترکیب خوب به من بده. به چیز ساده. فرمول نئیمیایی نمک چیه؟

نمی‌تونه صداتو بشنوه.

کثافت!

...اینجا. جنا من انجام!

من هیچی بعد نمی‌دم.



جیسون!؟

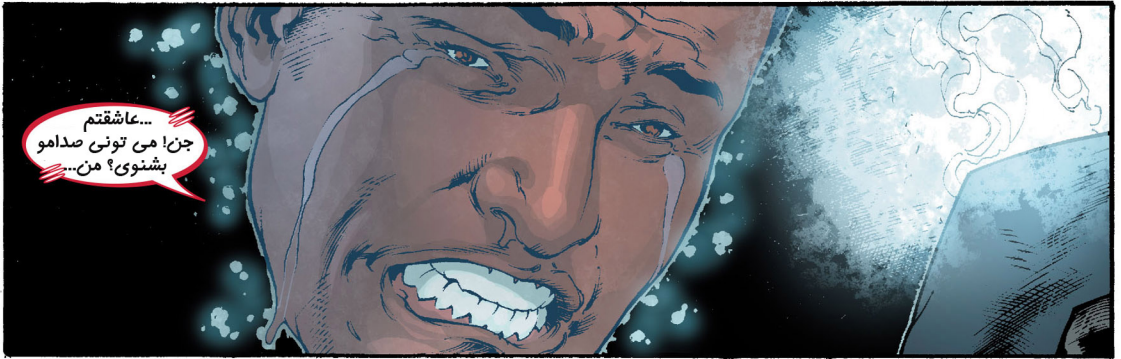
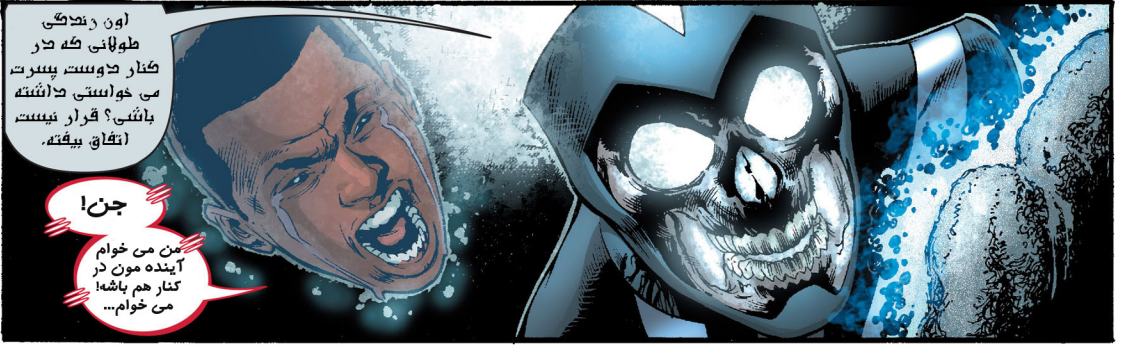
کجایی!؟

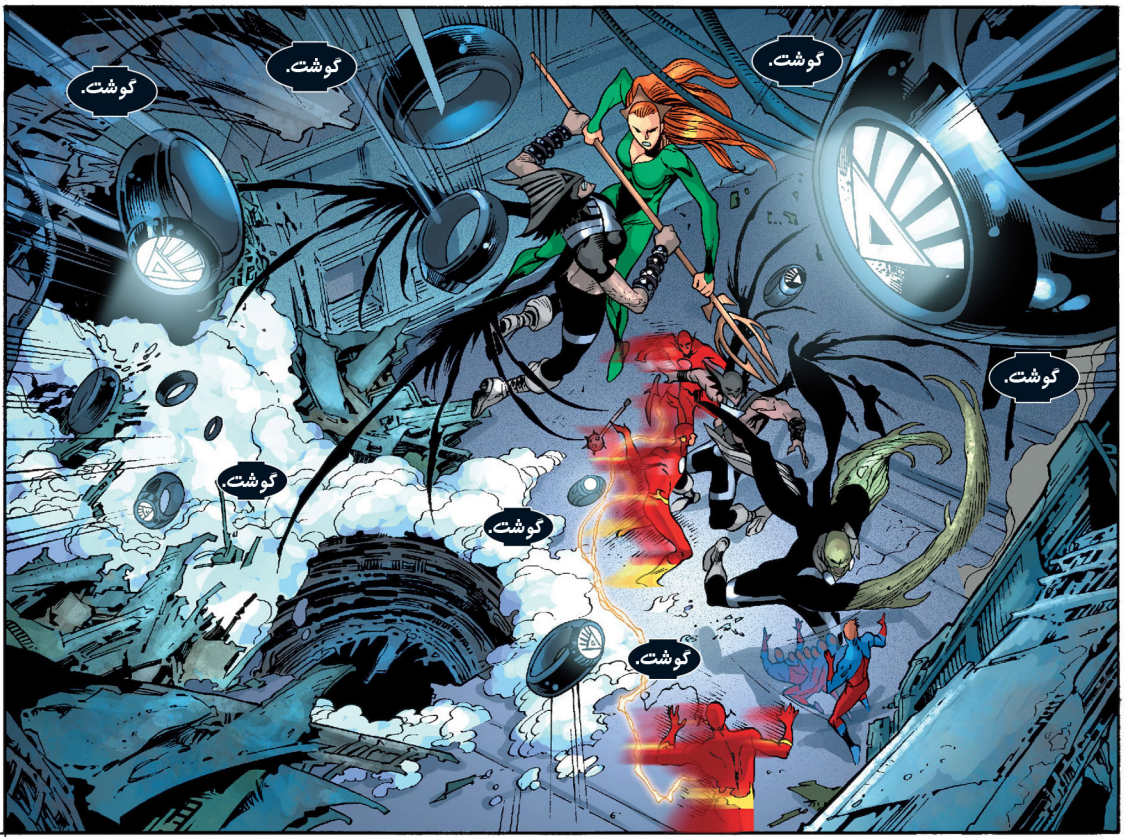


آره! nacl فرمول نمک! حالا ببین. خیلی سخت بود؟

آه! این کارو نکن. خواهش می‌کنم رانی!

تا حالا فیلم روح ترکون‌ها رو دیدی؟ فیلم مالی‌ایه. آخرش مبارزه مارشم‌لومن یادته؟ اونها هم نتوستنت داشتونو خالی نگه دارنت.





گوشت.

گوشت.

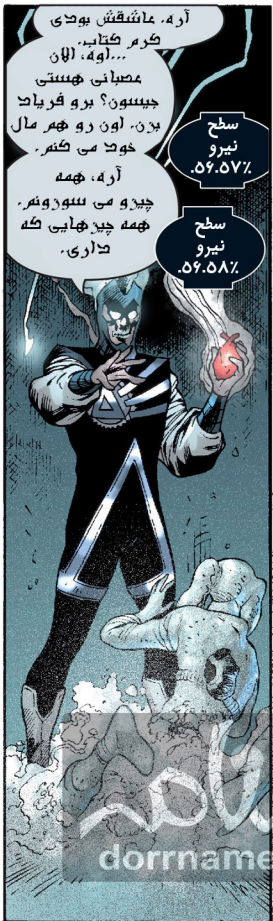
گوشت.

گوشت.

گوشت.

گوشت.

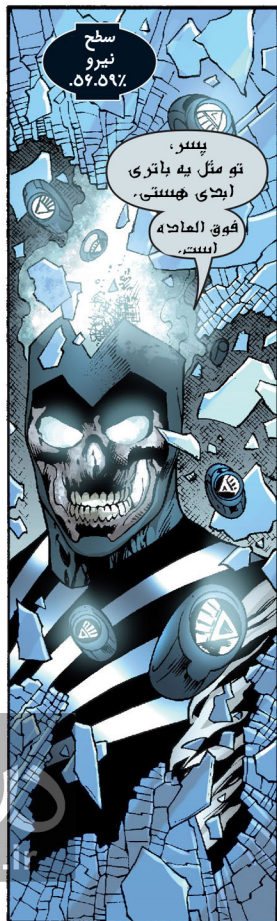
گوشت.



آره. عاشقش بودی
کورم کتاب،
...اوه، الان
مصیبتی هستی
چیسون؟ برو فریاد
بزن. اون رو هم مال
خوت می کنم.
آره، همه
چیزو می سنورونم.
همه چیزهایی که
داری.

سطح
نیرو
۵۶.۵۷٪

سطح
نیرو
۵۶.۵۸٪



سطح
نیرو
۵۶.۵۹٪

پس،
تو مثل یه بانری
ابتدی هستی.
فوق الماده
(است).



جان مونرو
اهل زمین.

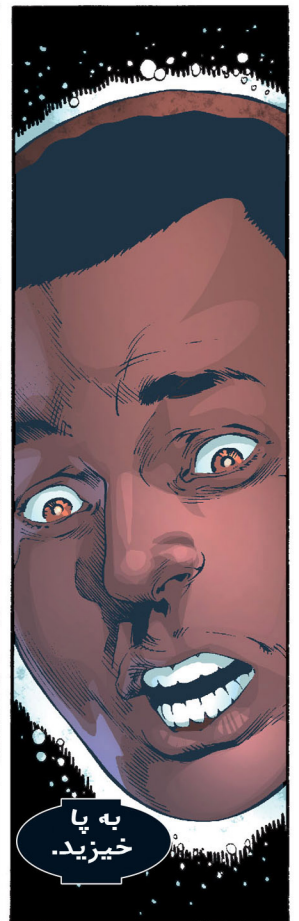
آرتور لایت
اهل زمین.

مکسون لرد
اهل زمین.

گریستال
فراست
اهل زمین.

جان
ریونهر
اهل زمین.

الکساندر
لوتر
اهل زمین ۳.



به پا
خیزید.



COME ON, GUYS. THERE'S A FEW LEFT UPSTAIRS.

LORD, WELL

قسمت بعد

سطح
خبرو ۱۰۰٪

DC

3
OF 8
NOV '09

BLACKEST NIGHT

GEOFF
JOHNS
IVAN
REIS
OCLAIR
ALBERT
JOE
PRADO

دورنامه

dorname.ir

مرجع کمیک های فارسی